

Studying Peace in the Documents and Procedures of FIFA

Hamidreza Akbarpoor

Ph.D in International Law, Center for Scientific Research and Strategic Studies of the Middle East, Tehran, Iran. hamidakbarpour172@gmail.com

Abstract

The Fédération Internationale de Football Association is a non-governmental international organization that plays an active role in the international society, particularly in the realization of its goals including peacebuilding. This study aimed to examine the role of "FIFA" in building and establishing peace and the way a sports organization could influence world peacebuilding. A further question was the basis of FIFA's participation in world peace. The answer to this question lies in 1980s when FIFA reconsidered its macro-level goals and was converted into a multi-aspect organization. Accordingly, the participation of FIFA began in 1980s in collaboration with other international organizations active in peacebuilding such as the United Nations and its sub-organizations such as United Nations Office on Sport for Development and Peace and UNICEF as well as non-governmental organizations such as Football for Peace. Several articles in FIFA's Statute specify its active presence in different fields including human rights and elimination of racial and gender discriminations. This, in its turn, provides a space for peacebuilding in difficult conditions. The procedures of FIFA also indicate its high potential and influential role in peacebuilding and establishing peace in crisis-ridden areas in the Balkans, Palestine, Afghanistan, Africa, and other places in the world through joint programs such as "Unity for Peace, United for Peace", "Football Friends", "Football for Hope" and "Football for Peace". Today, FIFA's outlook is focused more than ever on peace and activities for peacebuilding. This is more tangible considering the developments in relations with other organizations active in peacebuilding and the significance of FIFA's social responsibility.

Keywords: *FIFA, Peace, United Nations Children's Fund, Football for Hope, Football for Peace*

بررسی مقوله صلح در اسناد و رویه فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)

حمیدرضا اکبرپور

دکتری حقوق بین‌الملل، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، تهران، ایران
hamidakbarpour172@gmail.com

چکیده

فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)، یکی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است که به صورت فعال در مسائل جامعه بین‌المللی نقش‌آفرینی می‌کند؛ یکی از این اهداف «مسئله صلح» است. پرسش اساسی این پژوهش نیز در باب نقش «فیفا» در ایجاد و تثبیت صلح می‌باشد. از دهه هشتاد میلادی، نقش‌آفرینی گسترده فیفا با مشارکت سایر نهادهای بین‌المللی فعال در زمینه صلح به‌ویژه سازمان ملل متحد و زیرمجموعه‌های آن شروع شد. این مشارکت‌ها ریشه در اساسنامه این سازمان دارد که در بندهای متعدد، زمینه حضور فعال فیفا را در بسته‌های مختلف؛ از جمله حقوق بشر، منع تبعیض نژادی و تبعیض جنسیتی فراهم کرده است که به نوبه خود باعث بسترسازی برای ایجاد صلح و یا تثبیت صلح در شرایط دشوار شده است. رویه این سازمان نیز حاکی از توان مضاعف فیفا دارد که با اجرای مشترک برنامه‌هایی نظیر «اتحاد برای کودکان، متحد برای صلح»، «دوستان فوتبال»، «فوتبال برای امید» و «فوتبال برای صلح»، نقش مؤثری در فرایند ایجاد و تثبیت صلح در مناطق بحران‌زده‌ای همچون بالکان، فلسطین اشغالی، افغانستان، آفریقا و سایر مناطق دنیا دارد. چشم‌انداز فیفا نیز بیش از پیش حاکی از توجه به مسئله صلح و فعالیت در این زمینه است. این امر به‌ویژه با توجه به گسترش ارتباطات بین‌المللی و سایر سازمان‌های فعال در زمینه صلح و اهمیت مسئله مسئولیت اجتماعی فیفا، ملموس است. در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی برای تشریح و تبیین منابع کتابخانه‌ای استفاده شده است.

واژه‌های کلیدی: فیفا، صلح، صندوق کودکان سازمان ملل متحد، فوتبال برای امید،

فوتبال برای صلح

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۰۵/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۰

فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، سال ۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صص ۳۴۱-۳۶۲

مقدمه

با شکل‌گیری جهان معاصر و پیدایش کشورهای گوناگون در عرصه جامعه جهانی، سطح ارتباطات و روابط بین‌المللی دچار تحولی عظیم شد. روابط کشورها که ابتدا به صورت دوجانبه مطرح بود به سمت همکاری‌های همه‌جانبه و چندجانبه حرکت کرد. این همکاری‌های بین‌المللی زمینه‌ساز تشکیل تابعین جدید در حقوق بین‌الملل شد. این تابعین جدید، سازمان‌های بین‌المللی بودند که با توجه به گسترش روابط بین‌المللی پا به عرصه جامعه بین‌المللی گذاشتند (زمانی، ۱۳۸۷، ص. ۱۳). به‌طور کلی پس از جنگ جهانی دوم، سازمان‌های بین‌المللی به‌طرز شگفت‌انگیزی شروع به رشد و نمو کردند. این سازمان‌ها در زمینه‌های گوناگون فعالیت می‌کنند؛ برخی در زمینه‌های گوناگون مانند سازمان ملل متحد و برخی دیگر در زمینه‌های تخصصی فعالیت می‌کنند که نمونه بارز آن سازمان جهانی تجارت است. در این بین سازمان‌های غیردولتی بیشتری نیز به‌وجود آمد و هر لحظه به شمار آنان افزوده می‌شود. بدون شک تعداد بیشتر این نوع سازمان‌ها و رشد کمی آنها به نسبت سازمان‌های بین‌المللی دولتی، به دلیل شکل‌گیری راحت‌تر و رفع نیاز جامعه بین‌المللی در زمینه‌هایی است که سازمان‌های بین‌المللی دولتی هنوز ورود نکرده‌اند. از سوی دیگر یکی از مبانی اصلی شکل‌گیری این سازمان‌ها، مسئله صلح بود. در واقع یکی از عوامل اصلی در ایجاد دگرگونی در روابط بین دولت‌ها، وحشت از جنگ بود که به صورت انگیزه‌ای برای همکاری بین‌المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی در آمد. یکی از دلایل اصلی به‌وجود آمدن سازمان‌های بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز برقراری صلح و امنیت بود؛

چراکه بیشتر این سازمان‌ها، به‌عنوان نهادهای فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی تأثیرگذار و مورد پذیرش همگان را در جامعه جهانی دارا می‌باشند. به همین علت می‌توان صلح را ماهیت اصلی به‌وجود آمدن این سازمان‌ها دانست (بیگزاده، ۱۳۹۰، ص. ۱۲).

در این میان سازمان‌های بین‌المللی به دو دسته سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می‌شوند که هر کدام از این سازمان‌ها در زمینه صلح فعالیت‌های زیادی داشته‌اند، اما امروزه به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان‌های غیردولتی در تأمین صلح جهانی هستیم. به‌ویژه با توجه به نقش این نوع سازمان‌ها در شکل‌گیری نسل سوم حقوق بشر که نشان از پذیرش این بازیگران بین‌المللی دارد، این سازمان‌ها امکان یافته‌اند تا در فرایند صلح نقش داشته باشند و به تدریج از مشروعیت ایجاد شده بهره‌گیرند و سهم بیشتری را در این مقوله به خود اختصاص دهند (بیگزاده، ۱۳۹۱، ص. ۴۹). در واقع این نوع سازمان‌ها به‌طور عمده دارای انگیزه‌های بشردوستانه بوده و بر همین اساس قادر به ایجاد ثبات و نگهداری صلح جهانی هستند. همچنین به‌منظور حفظ بی‌طرفی، اغلب این نهادها رویه‌ای بی‌طرفانه پیشه کرده‌اند و در خارج از مجموعه دولتی همکاری و فعالیت می‌کنند (ضیایی، ۱۳۹۷، ص. ۸۳). یکی از این سازمان‌های غیردولتی، فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا)^۱ است. «کشورهای عضو فیفا از کشورهای عضو سازمان ملل متحد بیشتر است» (جلیلی‌کامجو، ۱۳۹۲، ص. ۲۹). این سازمان مسئول اداره فوتبال در جهان است. فوتبال امروزه به‌عنوان مهم‌ترین رشته ورزشی در سطح جهان مطرح است. اهمیت و محبوبیت این ورزش موجب شده است که ظرفیت‌های عظیمی را در خود نهفته باشد. این ظرفیت به‌ویژه در بسیج افکار عمومی می‌تواند نمود پیدا کند. برخی به قدرت فراتر از تصور این سازمان توجه کرده و حتی برخی فیفا را از حیث قدرتمند بودن در دنیای مدرن امروز با شورای امنیت سازمان ملل هم‌تراز دانسته‌اند (دوراندیش، ۱۳۹۰). ضرورت شناخت فیفا به‌عنوان نهاد اداره‌کننده فوتبال، روز به روز بیشتر نمود می‌یابد. با گسترش فیفا،

^۱Fédération Internationale de Football Association (FIFA)

نفوذ این سازمان روز به روز افزون‌تر شده است و این ورزش که از گذشته‌های دور به هنر تشبیه می‌شد را می‌توان به هنر _ صنعتی تبدیل کرد که پایه‌های قدرت این سازمان را بسیار مستحکم کرد؛ بنابراین عصری که به این سازمان و ورزش تحت صلاحیت آن یعنی فوتبال، به صرف یک ورزش نگریسته می‌شد رو به اتمام است. فیفا امروزه با ۲۱۱ عضو و کنفدراسیون‌هایی در شش قاره جهان^(۱)، شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ای از روابط انسانی را حول محور فوتبال تشکیل داده است. این سازمان با قبول تعهدات جدید پا به عرصه نوینی گذاشته است که شناسایی این تعهدات و روند گسترش آن، می‌تواند آینده پیش‌روی این سازمان را تداعی کند. یکی از مهم‌ترین این تعهدات را می‌توان تعهد به «ایجاد و تثبیت صلح» عنوان کرد. پرسش اساسی این پژوهش در باب نقش فدراسیون بین‌المللی فوتبال در روند ایجاد و تثبیت صلح است. این پژوهش سعی دارد به این موضوع بپردازد که «آیا این سازمان در تأمین و تثبیت صلح تأثیرگذار بوده است یا خیر؟» و اگر تأثیرگذار بوده است از چه روش‌هایی در این مسیر گام برداشته است و مبنای ورود این سازمان در مسئله صلح چیست.

با توجه به آنچه گفته شد، نخست به شخصیت حقوقی فیفا پرداخته می‌شود؛ سپس عملکرد این سازمان مورد بررسی قرار می‌گیرد و مسئله صلح و توجه به آن از سوی فیفا نیز در قالب پویایی و تحولات رفتاری فیفا تعریف می‌شود. بر همین مبنای روش توصیفی _ استقرایی به‌عنوان روش غالب این مقاله انتخاب شده است؛ یعنی ابتدا به توصیف و تشریح، سپس به تحلیل و تبیین موارد مورد بحث پرداخته می‌شود.

۱. مفهوم صلح

در باب معناشناسی واژه «صلح»، یکی از ابتدایی‌ترین برداشت‌ها این است که صلح به مفهوم فقدان جنگ و درگیری‌های مسلحانه است. این برداشت از صلح که به معنایی سطح پایین از صلح اشاره دارد به «صلح منفی» تعبیر شده است، اما در قطعنامه کنفرانس عمومی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد

(یونسکو)^۱ در سال ۱۳۵۳ شمسی، معنا و مفهوم صلح گسترش پیدا کرد. در برداشت جدید از صلح به این موضوع اذعان شد که صلح نمی‌تواند فقط به معنای فقدان درگیری مسلحانه باشد؛ بلکه علاوه بر آن صلح شامل توسعه، عدالت و مفاهیمی دیگر می‌شود. این نوع از صلح به «صلح مثبت» اشاره دارد. در هر صورت در طول تاریخ تا به امروز دستیابی به صلح و آرامش همواره از اصلی‌ترین و اصیل‌ترین آمال بشری بوده است. تا جایی که احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی نیز به‌عنوان ابزاری جهت تحقق این هدف در نظر گرفته می‌شود (عباسی اشلقی و موسوی فرد، ۱۳۹۱، صص. ۷۱-۷۲). در جهان کنونی و با گسترش ارتباطات در جوامع بشری، تمایل به تأکید بر اشتراکات و ایجاد اجتماعاتی مانند نهاد و سازمان در سطح بین‌المللی نیز به‌منظور همین هدف است. بر این اساس ماده یک منشور سازمان ملل با تأکید بر صلح، به اهمیت این امر صحنه گذاشته است. ماده یک منشور در واقع مقاصد سازمان ملل را بیان می‌دارد که در بندهای اول و دوم بر صلح و اهمیت آن تأکید کرده است. بند اول ماده یک منشور در باب اهداف این سازمان، چنین اقرار می‌دارد که «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی از اهداف این است و بدین منظور به‌عمل آوردن اقدام‌های دسته جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هر گونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل و فصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل» باید در دستور کار قرار گیرد. در ادامه در بند دوم این ماده نیز این‌گونه ادامه می‌دهد که «توسعه روابط دوستانه در بین ملل بر مبنای احترام به اصل تساوی حقوق و خود مختاری ملل و انجام سایر اقدامات مقتضی برای تحکیم صلح جهانی» است.

۲. شخصیت حقوقی بین‌المللی فیفا

اهمیت پرداختن به مبحث «شخصیت حقوقی فیفا» به این دلیل است که دیدگاهی

^۱United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO)

^۲International legal personality

گسترده‌تر و بهتر از ماهیت حقوقی فیفا داده شود تا پشتوانه‌ای برای عملکرد این نهاد در حوزه مسائل مطرح در سطح بین‌الملل باشد. آنچه مسلم است، فیفا سازمان بین‌المللی دولتی نیست؛ زیرا در ماده (۱۹) اساسنامه فیفا، دخالت طرف‌های ثالث را در فدراسیون‌های عضو ممنوع کرده است. همچنین بر اساس توافق‌نامه بین‌المللی نیز تشکیل نشده است؛ بنابراین باید با معیارهای سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی سنجیده شود. این سازمان‌ها دارای خصوصیات مشترکی هستند که به صورت تطبیقی با شاخصه‌های فیفا سنجیده می‌شود تا مشخص گردد که آیا فیفا، سازمان بین‌المللی غیردولتی هست یا نه؟

نخستین ویژگی مشترک سازمان‌های غیردولتی، «ایجاد این سازمان‌ها بر اساس حقوق داخلی یک دولت» است. این مسئله را «شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد»^۱ در «قطعنامه ۱۳۲۹ شمسی» خود اعلام کرده است. بر اساس قطعنامه مذکور «هر سازمانی که سند مؤسس آن ناشی از یک موافقت‌نامه بین‌الدولی نباشد، سازمانی غیردولتی محسوب می‌گردد» (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۵، ص. ۲۶۹). بر اساس ماده یک اساسنامه فیفا، فدراسیون بین‌المللی فوتبال، اتحادیه‌ای ثبت شده در دفتر ثبت تجاری سوئیس مطابق ماده (۶۰) قانون مدنی سوئیس است. بنابراین فیفا بر اساس حقوق داخلی یک کشور که سوئیس باشد، ثبت شده است و از این نظر با سازمان‌های غیردولتی وجه اشتراک دارد. «داشتن اهداف عام‌المنفعه بین‌المللی بدون قصد سودجویی»، دومین ویژگی مشترک سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است (Lewis, 2010, p. 1059). همان‌طور که گفته شد فیفا طبق ماده (۶۰) قانون مدنی سوئیس ثبت شده است. ماده (۶۰) در فصل دوم قانون مدنی سوئیس در مورد انجمن‌ها است؛ طبق این ماده انجمن‌های سیاسی، مذهبی، علمی، هنری، خیریه، تفریحی و سایر انجمن‌هایی که هدف اقتصادی ندارند به محض اینکه مؤسس‌ها، اراده خود را در قالب اساسنامه‌هایشان مبنی بر ایجاد آنها اعلام کردند از شخصیت حقوقی برخوردار می‌شوند. طبق این قانون، فیفا اهداف خود را بیان و خود را به‌عنوان نهادی برای توسعه با گستره‌ای

^۱United Nations Economic and Social Council (ECOSOC)

جهانی معرفی می‌کند. پیرو ماده دوم اساسنامه فیفا، هدف این سازمان بهبود پیوسته بازی فوتبال و ترویج جهانی آن است. بر این اساس فیفا سازمانی غیرانتفاعی است و باید مازاد تجاری خود را در راه اهداف فیفا هزینه کند (Tomlinson, 2014, p. 28). سومین ویژگی مشترک سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، «انجام فعالیت مؤثر در بیش از یک کشور» است. اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی در سال ۱۳۶۲ شمسی، این تعداد را سه کشور تعیین کرد. «کنوانسیون استراسبورگ»^۱ در بند دوم ماده یک، این تعداد را به دو کشور تقلیل داده است (بیگزاده، ۱۳۷۹، ص. ۲۶). فیفا با ۲۱۱ عضو و فعالیت در پنج قاره جهان یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های ورزشی جهان را تشکیل داده است؛ این تعداد حتی بیشتر از اعضای سازمان ملل می‌باشد. با توجه به ویژگی‌های ذکر شده و تطبیق آن با خصوصیات فیفا، ماهیت حقوقی این نهاد با سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی همخوانی داشته و تردید نسبت به این موضوع را منتفی می‌کند.

اما مسئله مهم دیگر، شخصیت حقوقی فیفا است. بدون شک فیفا نیز مانند هر نهاد دیگری دارای شخصیت حقوقی داخلی می‌باشد و همان طور که در ماده (۶۰) قانون مدنی سوئیس ذکر شده است، به محض اینکه مؤسس‌ها، اراده خود را در قالب اساسنامه‌هایشان مبنی بر ایجاد آنها اعلام کردند از شخصیت حقوقی برخوردار می‌گردند، اما چالش اساسی در باب شخصیت بین‌المللی این سازمان می‌باشد. نظام بین‌الملل به سمت شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی برای سازمان‌های غیردولتی در حال حرکت است، ولی در حال حاضر در شناسایی شخصیت حقوقی بین‌المللی این سازمان‌ها، نباید راه افراط در پیش گرفته شود و باید با توجه به ویژگی‌ها و مختصات هر سازمان غیردولتی در مورد شخصیت حقوقی بین‌المللی آن تصمیم گرفته شود.

در دکترین حقوقی، برخی اندیشمندان معتقدند با توجه به عملکرد برخی از سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، می‌توان برای آنها قائل به شخصیت حقوقی

۱ European Convention on the Recognition of the Legal Personality of International Non-Governmental Organisations (Strasbourg Convention)

بین‌المللی شد (قاسمی و تسخیری، ۱۳۹۶، ص. ۲۱۹). این منطق مبتنی بر آن قسمت از رأی مشورتی دیوان بین‌المللی در قضیه «خسارت وارده به کارمندان سازمان ملل متحد»^۱ است و چنین مقرر کرده است که «اعطای شخصیت حقوقی بین‌المللی نه بر اساس حضور نمایندگان دولت‌ها در سازمان؛ بلکه بر اساس عملکردهای بین‌المللی آنان است که اعطا می‌شود». در این قضیه، دیوان اعلام کرد که برای تشخیص سازمان‌ها نباید به ماهیت اعضای آن توجه کرد؛ بلکه باید به ماهیت عمل و عملکرد سازمان توجه کرد. بنابراین برای احراز شخصیت بین‌المللی باید عملکرد و فعالیت سازمان‌ها در سطح بین‌المللی در نظر قرار گیرد و هماهنگی این فعالیت‌ها با موازین حقوق بین‌الملل، مشخص‌کننده احراز یا عدم احراز شخصیت بین‌المللی سازمان‌ها می‌باشد. فیفا با فعالیت در ۲۱۱ کشور جهان، گستره شگفت‌انگیزی از این کره خاکی را در برمی‌گیرد، اما ماهیت این فعالیت نیز در اعطای شخصیت بین‌المللی به این نهاد، بسیار تأثیرگذار است. در ماده دوم اساسنامه فیفا، یکی از اهداف اصلی فیفا، «بهبود پیوسته بازی فوتبال و ترویج جهانی آن، در پرتو وحدت و ارزش‌های تربیتی، فرهنگی و انسانی به‌خصوص از طریق برنامه توسعه و جوانان» است. این ماده به‌خوبی اهداف فیفا، و رای ورزش را نشان می‌دهد و در حقیقت فوتبال در اینجا منوط به ترویج ارزش‌ها و توسعه جامعه انسانی شده است. این مسئله در کنار نقش ورزش و به‌خصوص فوتبال در صلح جهانی می‌تواند ما را در اعطای شخصیت بین‌المللی به فیفا اغنا کند. در «قطعنامه ۵۸/۵» مجمع عمومی سازمان ملل متحد، مصوب ۱۲ آبان ۱۳۸۲ شمسی^۲ ورزش به‌عنوان ابزاری جهت ترویج آموزش، بهداشت، توسعه و صلح و تفاهم بین‌المللی شناخته شده است. از سوی دیگر، مورد توجه کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفتن و گذاشتن تکالیف بر دوش این سازمان، گواهی دیگر بر داشتن شخصیت حقوقی بین‌المللی می‌باشد. در کنوانسیون بین‌المللی علیه «آپارتاید» در ورزش، به‌طور مستقیم فدراسیون‌های ورزشی مورد تأکید قرار گرفتند. در این میان

^۱Advisory Opinion Reparation for Injuries Suffered in the Service of the United Nations (1949)

^۲Resolution 58/5 adopted by the General Assembly (2003)

فیفا نیز که متولی فوتبال به‌عنوان پرطرفدارترین ورزش می‌باشد، مورد خطاب این کنوانسیون بین‌المللی قرار گرفته است (مقامی، ۱۳۸۸، ص. ۳۲۸).

۳. پیوند فیفا با مفهوم صلح

سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی، نقش پررنگ‌تری نسبت به گذشته در شکل‌گیری و اجرای قواعد حقوق بین‌الملل بر عهده گرفته‌اند. بر همین اساس این سازمان‌ها نیز می‌توانند دارای نقشی مؤثر در دستیابی یا تثبیت صلح داشته باشند که با توجه به نقش مشورتی خود در سازمان ملل متحد و با استفاده از ابزاری به نام افکار عمومی، در بسیاری از مواقع دارای تأثیرگذاری شگرفی بر جریان‌های نظام بین‌الملل بوده‌اند. به‌طور کلی در عصر جهانی شدن، تلاش در جهت گسترش صلح جز در سایه اقدامات توأمان دولت‌ها و نهادهای مردمی غیردولتی امکان‌پذیر نیست. مثال بارز این امر در روند صدور رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۳۷۵ شمسی در مورد استفاده از سلاح هسته‌ای^۱ است؛ در این قضیه مسئولیت ارائه نظریات به سازمان بهداشت جهانی و مجمع عمومی در مورد سلاح‌های هسته‌ای و محیط زیست به عهده سازمان‌های غیردولتی گذاشته شد. سازمان‌های غیردولتی از طریق دولت‌ها و نهادهای مشورتی با شورای اقتصادی _ اجتماعی سازمان ملل متحد وارد عمل شدند تا رأی لازم را از دیوان بین‌المللی دادگستری به دست آورند که دولت‌های قدرتمند هسته‌ای مخالف آن بودند (عباسی اشلقی و موسوی‌فرد، ۱۳۹۱، صص. ۷۵-۷۶).

این وقایع و نمونه‌های متعدد دیگر نقش این سازمان‌ها را پررنگ‌تر از همیشه کرده است. بی‌شک فیفا نیز همچون این سازمان‌ها و با توجه به اینکه حوزه فعالیتش گستره بین‌المللی را شامل می‌شود در این راه قدم برمی‌دارد. این سازمان یک حوزه تخصصی دارد و آن ورزش فوتبال است و شاید در نگاه اول تأثیرگذاری آن در حد ناچیزی باشد، اما آنچه مسلم است این است که اساس و بنیان ورزش به‌عنوان وسیله‌ای برای پرورش فکری و جسمی به‌کار می‌رود. این امر زمانی که به

^۱Advisory opinion on the Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons (1996)

صورت جشنواره‌های جمعی خود را نشان دهد به تقویت اتحاد و همدلی بیشتر بین انسان‌ها می‌انجامد. مثال بارز این جشنواره‌های جمعی، برگزاری جام‌های جهانی و المپیک در سطح جهان می‌باشد. بر این اساس شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ابزار صلح و تقویت اتحاد در دنیای کنونی، ورزش است. در این میان نقش فوتبال به‌عنوان محبوب‌ترین ورزش جهان و نهاد اداره‌کننده آن؛ یعنی فیفا، بدون تردید قابل تأمل می‌باشد. بر همین اساس به بررسی مقوله صلح در اسناد و رویه این سازمان پرداخته می‌شود تا اهمیت این مسئله در بستر فعالیت‌ها و چشم‌انداز این سازمان مشخص گردد.

۱-۳. صلح در اساسنامه فیفا

«بان کی مون» دبیرکل وقت سازمان ملل اظهار کرده بود که فوتبال در حال ورود به جریان اصلی کل نظام سازمان ملل است. او معتقد بود فیفا و سازمان ملل متحد دارای اهداف مشترکی همچون مأموریت گرد هم آوردن مردم سراسر جهان در محیطی آرام و مثبت برای ترویج صلح و همکاری می‌باشند. همچنین عقیده داشت که سازمان ملل متحد در عظمت و ظرفیت جام جهانی در باب توسعه و صلح در بیشتر نقاط جهان؛ از جمله آفریقا و توانایی استفاده از فوتبال به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به این اهداف، تردید ندارد (FIFA, 2010).

توجه به مسئله صلح در اساسنامه فیفا نیز به‌طور ضمنی مورد توجه قرار گرفته است. در ماده دوم اساسنامه فیفا، یکی از اهداف اصلی فیفا، «بهبود پیوسته بازی فوتبال و ترویج جهانی آن در پرتو وحدت و ارزش‌های تربیتی، فرهنگی و انسانی به‌خصوص از طریق برنامه توسعه و جوانان» است. این ماده به خوبی اهداف فیفا در ورای ورزش را نشان می‌دهد. در حقیقت فیفا در اینجا منوط به ترویج ارزش‌ها و توسعه جامعه انسانی شده است. یکی از مهم‌ترین اولویت‌ها و ارزش‌های جامعه انسانی توجه مضاعف و مکرر به مسئله صلح است. در ماده سه اساسنامه، فیفا متعهد به «رعایت کامل حقوق بشر شناخته شده بین‌المللی» است و

باید برای ترویج و حمایت از این حقوق تلاش کند. مشخص است که مسئله حقوق بشر در هر زمانی اعم از زمان صلح و وضعیت مخاصمه مسلحانه قابل اجرا می‌باشد، اما در اصل قواعد و مقررات حقوق بشر، منطبق با نیازها و الزامات زمان صلح طراحی شده است. اینکه موازین حقوق بشر در اصل برای زمان صلح طراحی شده است در این واقعیت نهفته است که برخی از این اسناد به دولت‌ها اجازه می‌دهد تا از بسیاری مقررات آنها در زمان جنگ و دیگر وضعیت‌های اضطراری عمومی تهدید کننده حیات تخطی کند. البته این روی‌گردانی‌ها باید متناسب با بحران پیش رو بوده و نباید تبعیض‌آمیز و یا مغایر با قواعد دیگر حقوق بین‌الملل باشد (البرزی ورکی، ۱۳۸۶، ص. ۳۵). بر همین اساس فیفا با ترویج و حمایت از قواعد و مقررات حقوق بشری، در واقع در جهت بستر سازی و تثبیت صلح قدم برمی‌دارد. در ماده پنجم اساسنامه فیفا نیز به «توسعه روابط دو ستانه» تأکید شده است. این توصیه به توسعه روابط دو ستانه با توجه به گستره افراد و نهادهای تحت شمول فیفا در سرتاسر جهان، می‌تواند به ابزاری در جهت دستیابی به صلح یا تثبیت آن به‌کار رود. این نگاه به صلح حتی در نهادهای همکار فیفا نیز رسوخ کرده است. به دلیل همین تفکر است که اهداف اصلی المپیک نیز به موضوع صلح به‌مثابه ارزشی بنیادین توجه کرده است. این اهداف عبارت است از: الف) ترویج و پرورش ویژگی‌های اخلاقی و جسمانی که اساس ورزش است؛

ب) تعلیم و تربیت جوانان از طریق ورزش با هدف ساختن دنیایی سرشار از صلح و دوستی؛

پ) انتشار و ترویج اصول المپیک در سراسر جهان جهت صلح جهانی؛

ت) گرد آوردن ورزشکاران جهان، هر چهار سال یک‌بار، در جشنواره‌ای به نام بازی‌های المپیک.^(۳)

علاوه بر مواردی که ذکر شد، ماده (۴۹) اساسنامه فیفا نیز به‌طور ضمنی به مسائلی اشاره دارد که زمینه‌ساز تثبیت صلح است. طبق ماده مذکور، فیفا حداقل یک‌بار در سال با هزینه خودش اجلاس‌هایی را برای اعضاء و مدیران ارشد خود

برگزار می‌کند تا به مسائل بااهمیت جامعه فوتبال که نقشی اساسی در جامعه دارد پرداخته شود؛ از جمله این مسائل می‌توان به یکپارچگی، مسئولیت اجتماعی، حقوق بشر و تبعیض جنسیتی اشاره کرد. این موارد و به‌ویژه مبحث حقوق بشر و رفع تبعیض جنسیتی در مقوله صلح بسیار اثرگذار است. در باب تبعیض جنسیتی و نادیده‌انگاری زنان در صلح باید اذعان داشت زنان نخستین گروهی هستند که با فروپاشی زیرساخت‌های اجتماعی و سیاسی در نتیجه جنگ زیان می‌بینند. بر همین اساس سازمان ملل متحد در تلاش است تا میزان مشارکت زنان در حوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی در فرایند صلح از اولویت‌های این سازمان در نظر گرفته شود (صبوری و دیگران، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۸). بنابراین فیفا با تأکید بر رفع تبعیض جنسیتی و تقویت حضور زنان در میادین ورزشی و اجتماعی می‌تواند در جهت استقرار و تثبیت صلح قدم بردارد؛ چراکه در مسئله جنگ و صلح، زنان یکی از بازیگران اصلی به شمار می‌آیند، با این تفاوت که در برقراری صلح و عدالت نقش فاعل را ایجاد می‌کنند، اما در جنگ و تجاوز، قربانی هستند (شادمانی، ۱۳۹۵، ص. ۸۵).

۲-۳. صلح در رویه فیفا

توجه فیفا به مسائل ورای ورزش و چندوجهی شدن عملکرد و دیدگاه این سازمان از دهه ۸۰ میلادی و با سال‌های ریاست «ژائو هاو‌لانژ»^۱ پیوند خورده است. هاو‌لانژ روش مماشات را دنبال کرد و از اصل «فراگیر شدن» که فیفا خود را به آن متعهد ساخته بود پیروی می‌کرد. تحت رهبری او، دفاتر فیفا تبدیل به قطب دیپلماسی ورزشی شدند. یک مثال برجسته از این موضوع هنگامی بود که نمایندگان از عراق، ایران، کره جنوبی، کره شمالی، ژاپن و عربستان رو در روی هم در تیر ۱۳۷۲ شمسی، در زوریخ^۲ قرار گرفتند تا در مورد دورنمایی جام جهانی ۱۹۹۴ آمریکا در فضایی صلح‌آمیز و دوستانه بحث کنند. هاو‌لانژ از پیش استعداد خود را در بهره بردن از ظرفیت صلح‌آمیز فوتبال آن هم در بهترین زمان نشان داده

۱. João Havelange

۲. Zürich

بود. او پس از چانه‌زنی‌های بسیار، شرایط را برای بازگشت جمهوری خلق چین به فیفا فراهم کرد. در سال ۱۳۷۰ شمسی، کره شمالی و جنوبی با وجود نیم قرن مخاصمه، تیمی مشترک به رقابت‌های جام جهانی جوانان در پرتغال فرستادند و اسرائیل به دلیل وضعیت خاص خود، به رقابت با تیم‌های اروپایی به جای آسیائی پرداخت (FIFA, 2017). این روند و نتایج مثبتی که منتج از دخالت فیفا بود، سبب ساز شد تا رؤسای پسین این سازمان نیز به این روبه‌علاقه نشان دهند و از ظرفیت این ورزش به نحو احسن در ایجاد و تثبیت صلح استفاده کنند.

در سال ۱۳۸۰ شمسی، دفتر ورزشی ملل متحد برای توسعه و صلح‌به‌منظور اهمیت ورزش و به‌طور اخص فوتبال، برای برقراری و تداوم صلح و توسعه تشکیل شد (Hayhurst et al., 2015, p. 17). شکل‌گیری این دفتر نشان از این دارد که مهم‌ترین سازمان بین‌المللی جهان نیز از اثرگذاری فیفا به‌منظور تحقق مهم‌ترین هدف این سازمان که همانا صلح پایدار است، آگاه می‌باشد. بر همین اساس، سازمان ملل همکاری‌های گسترده‌ای را با فیفا و زیرمجموعه‌های قاره‌ای این سازمان ترتیب داد. در سال ۱۳۹۲ شمسی و به همین منظور، سازمانی غیردولتی با نام «فوتبال برای صلح»^۲ با پشتیبانی دفتر توسعه و صلح سازمان ملل متحد تشکیل شد. هدف این سازمان بهره‌گیری از فوتبال به‌عنوان قدرت نرم و ابزاری دیپلماتیک برای ایجاد جوامع انعطاف‌پذیر و تقویت تفاهم و گفتگو استفاده است (FFPGLOBAL, 2020a). این سازمان یک پروسه جهانی دیپلماسی صلح بر مبنای فوتبال را ایجاد کرده است که شامل «مسابقات صلح»، پروژه‌های میراث معروف به «شهر برای صلح» و سایر ابزارهای دیپلماسی ورزشی می‌شود که بر تحولات اجتماعی تأثیر می‌گذارد و با هدف تمرکز بر ادغام جامعه، کاهش تنش بین گروه‌های مختلف و ایجاد گفتگو بین ملل انجام شده است (FFPGLOBAL, 2020b). البته این سازمان ریشه در مجموعه اقداماتی دارد که فیفا با عنوان برنامه

^۱United Nations Office on Sport for Development and Peace (UNOSDP)

^۲Football for Peace Organisation

«صلح برای فوتبال»^۱ از سال ۱۳۸۵ شمسی تدارک دیده بود. این برنامه یکی از برنامه‌های مؤثر فیفا برای کمک به کودکان و نوجوانان جنگ‌زده است که به‌عنوان فوتبال برای صلح، شناخته می‌شود. در زمان جنگ، پس از آن و در شرایط اضطراری، فوتبال می‌تواند به کودکان و نوجوانان احساس امید دهد و بازگشت به شرایط عادی را تسریع کند. فوتبال می‌تواند با کمک به کودکان وحشت‌زده، به آنها یاد دهد که به تجربه‌های درد، ترس و فقدان ناشی از جنگ‌ها خاتمه دهند. با ایجاد محیطی امن، کودکان و نوجوانان را قادر می‌سازد احساسات و احترام به خود، اعتماد به نفس و اعتمادشان را باز یابند. همچنین با توجه به تأکید فوتبال بر مشارکت تیمی، می‌تواند به کودکان سرباز، حسی از تعلق بدهد که برای بازگرداندن آنان به جامعه لازم است. به همین منظور و در قالب برنامه فوتبال برای صلح، فیفا کمک‌های مالی خود را از طریق صندوق کودکان سازمان ملل متحد (یونیسف)^۲ و به‌طور خاص برای کشورهایی که در موقعیت پس از جنگ قرار داشتند، اختصاص داد. کشورهایی که از برنامه فوتبال برای صلح بهره بردند عبارتند از: افغانستان، بوسنی و هرزگوین، برون‌دی، کلمبیا، گینه، هائیتی، لیبیا، فلسطین اشغالی، رواندا، سیرالئون، سومالی، سودان (FIFA, 2004). علاوه بر مسائل ذکر شده که در باب فعالیت‌های فیفا می‌باشد، باید به ذات خود فوتبال نیز اشاره شود که به‌طور ناخودآگاه زمینه اتحاد و دوستی را در بین ملت‌ها و جوامع مختلف آماده کرده است و به درک مفهوم جهانی «متحد» بیشتر کمک می‌کند.

در سال ۱۳۸۵ شمسی، فیفا و یونیسف به‌طور رسمی در پویشی برای جام جهانی ۲۰۰۶ میلادی آلمان با عنوان «اتحاد برای کودکان، متحد برای صلح»^۳ همکاری خود را آغاز کردند. این پویش، ظرفیت فوتبال برای ترویج ارزش‌های صلح و بردباری در سطوح ملی و بین‌المللی را هدف قرار داده بود. هدف فیفا و صندوق کودکان سازمان ملل متحد این بود که اهمیت ورزش را به‌عنوان یک خط

^۱Football for Peace

^۲United Nations Children's Fund (UNICEF)

^۳UNITE FOR CHILDREN, UNITE FOR PEACE

مشی برای ایجاد احترام به خود و تقویت اعتماد به نفس منتقل کنند. در همین حال هم‌زمان به تقویت محیطی که تعاملات در آن بدون خشونت یا اجبار امکان‌پذیر باشد، مبادرت کنند. این پویا با استقبال سران این دو سازمان و نتایج مثبتی همراه شد. رئیس وقت فیفا، «جوزف سپ بلاتر»^۱ در این باره چنین اقرار کرده است که «فیفا از همکاری با یونیسف به خاطر انتقال این پیام که ورزش و به‌ویژه فوتبال، تمرینی برای ایجاد صلح است و می‌تواند در تبدیل جهان به مکانی بهتر کمک کند، خشنود است» (Thomas, 2006).

مهم‌ترین پروژه فیفا بدون شک پروژه «فوتبال برای امید»^۲ است. یکی از مأموریت‌های جدید فیفا این است که دنیا را به جای بهتری تبدیل کند. این اصل راهنمای فیفا است تا مسئولیت اجتماعی خود را به‌طور جدی‌تری بپذیرد. فیفا در قالب این پروژه معتقد است که فوتبال ابزاری عالی برای رسیدن به هدف‌های گوناگون از جمله ایجاد صلح است. ایجاد صلح به فعالیت‌هایی اشاره دارد که به ارتقای صلح در بازه زمانی قبل، بعد و حین مناصم کمک می‌کند. در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ شمسی، فیفا بر روی ساخت زمین‌های کوچک بازی در شهرهای رواندا، سیرالئون و فلسطین سرمایه‌گذاری کرد. همچنین فیفا به‌عنوان بخشی از پروژه آینده‌نگرانه خود به کودکان کمک کرد تا در دوران کودکی خود زندگی کنند و با آماده‌سازی آنها همراه با مقدمه‌ای از دانش پایه و مهارت‌های زندگی که باعث نجات زندگی آنان می‌شود، احساس امید به آینده را در دل آنها زنده نگه دارد. این امر به‌ویژه در زمانی که حس ناامیدی بر کودکان بازمانده از جنگ و کشمکش مستولی می‌شود، بیشتر خود را نمایان می‌سازد. برنامه «دوستان فوتبال»^۳ در مقدونیه نیز بخشی از پروژه فوتبال برای امید است که در سال ۱۳۸۵ شمسی شروع شد. حمایت‌های فیفا به این پروژه کمک کرد تا به هدف خود در باب غنی کردن زندگی کودکان و جوانان از راه فوتبال دست یابد، به‌ویژه کودکانی که در این

^۱Joseph S. Blatter

^۲FOOTBALL FOR HOPE

^۳Football Friends

منطقه و در دهه ۹۰ میلادی از جنگ‌های بالکان آسیب دیده بودند. این برنامه، تمام کودکان را با هر پیش‌زمینه‌ای گرد هم آورد و به آنها با انجام بازی فوتبال، امید می‌داد. تأکید این برنامه بر نقش فوتبال در آشتی و صلح پایدار بود و نسل آینده را برای همزیستی مسالمت‌آمیز آماده می‌کرد. فیفا همچنین از طریق برنامه‌های آموزشی و با تأکید ویژه بر روی اینکه چگونه ورزش می‌تواند صلح ایجاد کند؛ گروهی متشکل از سی جوان را از کشورهای بحران‌زده و درگیر جنگ در سال ۱۳۸۴ شمسی گرد هم آورد تا به تبادل ایده‌ها و نظرات ناشی از تجربه‌هایشان بپردازند. فیفا با پشتیبانی از این پروژه سعی کرد تا این جوانان از ورزش به‌عنوان ابزاری برای صلح و آشتی در کشورهایشان استفاده کنند و در حقیقت سفیر صلح از طرف فیفا باشند (Blatter, 2006, p. 20-24).

یکی دیگر از فعالیت‌های نمادین فیفا، پویش «دست برای صلح» بود. این پویش در واقع یک ژست دوستی و احترام بود که به منظور الهام بخشیدن به جهان برای درک اهمیت همبستگی و اتحاد در تثبیت صلح در نظر گرفته شد. این پویش، ابتدا توسط فدراسیون فوتبال نروژ و مرکز صلح نوبل^۱ در نروژ ایجاد شد. پس از آن به‌طور رسمی توسط فیفا به‌عنوان بخشی از مأموریت خود برای ایجاد آینده بهتر از طریق فوتبال تأیید شد (Netland, 2014). این برنامه در تمام مسابقات و رویدادهای فیفا؛ از جمله جام جهانی برزیل و مراسم توپ طلای فیفا انجام شد (Gibson, 2015).

علاوه بر مواردی که ذکر شد، فیفا در نقاط مختلف جهان و به‌منظور زمینه‌سازی ایجاد صلح و رفع تخاصمات ورود کرده است. نمونه بارز این امر، مسئله فلسطین است؛ چراکه با وجود عدم شناسایی بین‌المللی فلسطین تحت عنوان یک دولت مستقل، از سوی فیفا به رسمیت شناخته شده است و تیم ملی خود را در مسابقات بین‌المللی دارد. این مسئله در وهله اول به حفظ هویت ملی آنان کمک می‌کند و در سطحی بالاتر و به‌ویژه در بین جوانان، سازوکاری برای

^۱Handshake for Peace

^۲Norwegian Nobel Institute

تعامل مسالمت‌آمیز فراهم می‌کند که می‌تواند به ایجاد پل‌های ارتباطی بین جوامع مذهبی و در نتیجه حل بحران غرب آسیا کمک کند (Duerr, 2012, p. 635). آفریقا نمونه دیگری از تلاش‌های مستمر فیفا در جهت ایجاد و تثبیت صلح است، به‌ویژه که در آفریقا، ورزش و به‌طور اختصاصی فوتبال، توسط مبارزان آزادی‌به‌عنوان بخشی از چندین سازوکار مبارزه برای رسیدن به استقلال، مبارزه با نژادپرستی و ترویج وحدت ملی به‌کار گرفته شده است. تلاش‌های فیفا و «کنفدراسیون فوتبال آفریقا» از طریق مسابقات، همکاری با سازمان‌های دیگر و کمک‌های مالی، به‌طور چشمگیری در پیشبرد صلح در آفریقا نقش داشته است. به نوعی که در برخی موارد اقدامات عملی در باب بازسازی و آشتی بسیار پیشروتر از قطعنامه‌های صادر شده از سازمان‌های مذکور در مورد طرح‌های صلح در آفریقا بوده است (Mohammad, 2018, p. 9).

نتیجه‌گیری

فدراسیون بین‌المللی فوتبال به‌عنوان سازمانی بین‌المللی با ماهیت غیردولتی در اوایل قرن بیستم شکل گرفت. این سازمان در زمینه تخصصی فوتبال فعالیت می‌کند، اما در دههٔ هشتاد میلادی، اهداف متعدد دیگری نیز برای نهاد خود تعریف کرد و عملاً به سازمانی چندوجهی تبدیل شد. یکی از اهداف مهم و مورد توجه فیفا، مسئله صلح است. قدرت فوتبال و اهمیت روزافزون آن در افکار بسیج عمومی، سبب ساز شد تا فیفا به قدرت مصلحی در بسیاری از منازعات و درگیری‌ها تبدیل شود؛ توجه و اهمیت به صلح در اسناد و رویه این سازمان مشهود است. اشارات ضمنی در برخی مواد اساسنامه این سازمان، نشان از توجه ویژه این سازمان دارد. به‌ویژه اشاره به مواردی مانند حقوق بشر، عدم تبعیض نژادی و تبعیض جنسیتی در جهت تفاهم و بسترسازی صلح بسیار تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر رویه این سازمان به‌ویژه در سال‌های اخیر، از تأکید بسیار این نهاد بین‌المللی بر مسئولیت بین‌المللی این سازمان در شکل‌دهی به جهانی بهتر

برای زندگی است. کما اینکه بسیاری، اصول اساسی ورزش؛ از جمله احترام به مخالفان، کار تیمی و بازی منصفانه را با اصول منشور سازمان ملل متحد سازگار می‌دانند و آن را منعکس‌کننده قوانین اساسی جامعه‌ای با عملکرد خوب می‌دانند که در صلح زندگی می‌کند. بر همین اساس، فیفا به سمت همکاری با سازمان‌های بین‌المللی؛ نظیر سازمان ملل متحد، دفتر ورزشی ملل متحد برای توسعه و صلح، صندوق کودکان سازمان ملل متحد و سازمان فوتبال برای صلح حرکت کرد که ثمره آن ایجاد برنامه‌ها و پروژه‌هایی در جهت توسعه، ترویج و تثبیت صلح بوده است. برنامه‌هایی همچون «اتحاد برای کودکان، متحد برای صلح»، «دوستان فوتبال»، «فوتبال برای امید» و «فوتبال برای صلح»، موجبات ایفای نقش مشارکتی و در برخی موارد مستقل فیفا در فرایند توسعه و تثبیت صلح در مناطق بحران‌زده‌ای همچون بالکان، فلسطین اشغالی، افغانستان و آفریقا شد. چشم‌انداز فیفا نیز بیش از پیش حاکی از توجه به مسئله صلح و فعالیت در این زمینه است. این امر به‌ویژه با توجه به گسترش ارتباطات بین فیفا و سایر سازمان‌های فعال در زمینه صلح، مسئولیت اجتماعی فیفا و نفوذ قدرت نرم این سازمان در دیپلماسی ورزشی، بسیار ملموس و قابل توجه است. ذکر این نکته ضروری است که در این پژوهش با برجسته کردن سهم مثبت فیفا در روند ایجاد و تثبیت صلح، به تحلیل نقش این سازمان پرداخته شده است، اما بر حسب قاعده ورود به شرایط و موقعیت‌های خصمانه اگر بدون برنامه‌ریزی و هوشمندی صورت گیرد، چه‌بسا موجب بدتر شدن آن شرایط شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. این شش کنفدراسیون عبارتند از:
 - کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC)
 - کنفدراسیون فوتبال آفریقا (CAF)
 - کنفدراسیون فوتبال آمریکای شمالی و مرکزی (CONCACAF)
 - کنفدراسیون فوتبال آمریکای جنوبی (CONMEBOL)
 - کنفدراسیون فوتبال اقیانوسیه (OFC)
 - کنفدراسیون فوتبال اروپا (UEFA)
۲. آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک، ۱۳۹۶

منابع

آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک (۷ تیر ۱۳۹۶). / اهداف چهارگانه جنبش المپیک. وب‌سایت آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک.

<http://www.olympicacademy.ir/education-olympism-fa.html>

البرزی ورکی، پرویز (۱۳۸۶). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. حقوق اساسی، (۸). بیگزاده، ابراهیم (۱۳۷۹). سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل. تحقیقات حقوقی، (۳۱-۳۲).

بیگزاده، ابراهیم (۱۳۹۰). سازمان‌های بین‌المللی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. بیگزاده، ابراهیم و غضنفری، هنگامه (۱۳۹۱). نقش سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی در تحکیم صلح. تحقیقات حقوقی، (۹).

جلیلی کامجو، پرویز (۱۳۹۲). سهم ورزش در اقتصاد. دنیای اقتصاد، (۲۹۴۸). دوران‌دیش، هومان (۱۳۹۰). فیفا کارآمدترین نهاد ورزشی دنیاست. وب‌سایت تحلیلی خبری عصر ایران.

<http://www.asriran.com/fa/news/205341> (۱۲ مرداد ۱۳۹۶).

زمانی، سیدقاسم (۱۳۸۷). حقوق سازمان‌های بین‌المللی: شخصیت، مسئولیت، مصونیت. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش. شادمانی، مهدیه (۱۳۹۵). درآمدی بر نقش زنان در مخاصمات و استقرار صلح. فصلنامه

مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، ۲(۴).

صبوری، ضیاء‌الدین، نصیرپور، ساناز و حمیدیان شورمستی، مرضیه (۱۳۹۱). چالش‌های نهاد زنان ملل متحد در ایجاد صلح پایدار. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، (۵).

ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۵). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران: گنج دانش. ضیایی، محسن (۱۳۹۷). نقش و عملکرد سازمان‌های بین‌المللی در تأمین صلح جهانی. پژوهش ملل، (۳۰).

عباسی اشلقی، مجید و موسوی‌فر، محمدرضا (۱۳۹۱). نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در جهانی شدن اقدامات بشردوستانه. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، (۲۰).

قاسمی، غلامعلی و تسخیری، محمد صالح (۱۳۹۶). شخصیت حقوقی بین‌المللی سازمان‌های غیردولتی. حقوق عمومی، (۵۵). مقامی، امیر (۱۳۸۸). تأثیر سازمان‌های غیردولتی بر حقوق داخلی با تأکید بر فیفا. پژوهش‌های حقوق، (۱۵).

Blatter, J. (2006). *Make The World a Better Place*. FIFA Publications.

Duerr, Glen M. E. (2012). Playing for identity and independence: the issue of Palestinian statehood and the role of FIFA. *Soccer & Society*, Volume 13, Issue 5-6.

FFPGLOBAL (14 April 2020a). *OUR HISTORY*. Website football for peace global. Available at URL: <https://footballforpeaceglobal.org/about-us/#history>.

FFPGLOBAL (16 April 2020b). *PROGRAMS*. Website football for peace global. Available at URL: <https://footballforpeaceglobal.org>.

FIFA (24 April 2004). *The power of football for peace*. Website Fédération Internationale de Football Association (FIFA), Available at URL: www.fifa.com/sustainability/news/y=2004/m=9/news=the-power-football-for-peace-94202.html

FIFA (2010). *UN leader's hopes for Africa*. Website Fédération Internationale de Football Association (FIFA), Available at URL: www.fifa.com/newscentre/features/news/newsid=1233097/index.html

FIFA (2017). *A New Era*. Website Fédération Internationale de Football Association (FIFA), Available at URL: www.fifa.com/about-fifa/who-we-are/history/new-era.html. (4 June 2017).

Gibson, O. (2015). *Fifa says Nobel board's termination of relationship against 'spirit of fair play*. Website Guardian News. Available at URL:

- www.theguardian.com/football/2015/jun/16/fifa-nobel-handshake-for-peace-termination-fair-play. (24 April 2020).
- Hayhurst, Lyndsay M. C. & Kay, T. & Chawansky, M. (2015). *Beyond Sport for Development and Peace*. Routledge.
- Lewis, D. (2010). International Encyclopedia of Civil Society: Nongovernmental Organizations, Definition and History. Springer.
- Mohammed, A. (2018). The Role Of FIFA And CAF In Using Football To Promote Peace In Africa. University of Ghana.
- Netland, L. (2014). *Handshake for Peace in the World Cup*. Website My News Desk. Available at URL: www.mynewsdesk.com/pressreleases/handshake-for-peace-in-the-world-cup-1006723. (10 April 2020).
- Thomas, D. (2006). *The power of football: UNICEF and FIFA unite for children*. Website UNICEF. Available at URL: www.unicef.org/corporate_partners/index_intro_34495.html. (11 April 2017).
- Tomlinson, A. (2014). FIFA (Fédération Internationale de Football Association): The Men, the Myths and the Money. Routledge.